

بسمه تعالی

متن نامه های دکتر منصور حقیقت پور خطاب به مردم جمهوری آذربایجان و نماینده پارلمان باکو

نامه اول؛ 91/10/13

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای سیاوش نوروزاف

سلام

سیاوش جان می دانی که ادب چیز خوبی است؛ آذری های ایران؛ مشهور به انسانهای با ادب و مهربان هستند ، لیکن از مرقومه جنابعالی بویی از ادب به مشام نمی رسد، لطفاً در آذری بودن خود قدری تحمل کن، شاید همنشینی با عناصر بی ادب و از خدا بی خبر باعث بی ادبی شما شده است.

سیاوش جان پیشنهاد می کنم سابقه اسم قشنگت را در تاریخ مطالعه کن، ببین سابقه این اسم در اسطوره های تاریخی کدام کشور و کدام قوم است آیا ترک ها از نام سیاوش در طول تاریخ استفاده کرده اند یا این که فقط در ایران این نام را پیدا می کنی و در اقوام آریایی.

آقا سیاوش اگر تمام قاموس نامه ها را جستجو کنی این نام فقط در ایران و آران و تهران و باد کوبه پیدا می شود.

مناسب است قدری به ریشه قومی خود فکر کنی و ببینی چگونه امروز یک هویت ساختگی برای شما درست کرده اند، اگر به ریشه های همبستگی قومی رسیدی می فهمی که چقدر این ملت دو پارچه شده، نیاز به همگرایی و وحدت دارند.

راستی آقای سیاوش گفته بودی که قانون تسهیلات تردد مرزی توسط شوروی سابق امضا شده است؛ اگر ادعای

شما صحت داشته باشد، پس انصاف روس ها از انصاف شما پارلمان نشینان باد کوبه بیشتر بوده و آنان ضرورت توسعه اجتماعی این ملت را بیشتر از شما درک کرده بودند.

اگر اظهارات شما بر پایه عدم واقعیت و صحت باشد، وای به حال مردم بادکوبه که چنین نمایندگانی دارند که بر پایه عدم واقعیت حرف می زنند و دروغ می گویند و....
خدا می داند که از آن پارلمان چه چیزی صادر خواهد شد.

آقای سیاوش نوروزاف، اولاً این توافقنامه در دوره ریاست جناب آقای هاشمی رفسنجانی با مسئولین آذری منعقد شده و تردد در شعاع 45 کیلومتری و نه 35 کیلومتری بوده و عمدتاً جهت تسهیل در تردد اقوام حاشیه مرز و انجام مراودات اقتصادی بوده است و تاکنون هزاران نفر از مرز نشینان دوسوی ارس از این فرصت استفاده کرده اند.

نوروز خان؛ در خصوص توسعه روابط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با ایران صحبت کرده ای. می توانی چند مصوبه پارلمان بادکوبه در این خصوص را فقط نام ببری؟ اصلاً شما چه اقدام عملی در این رابطه کرده اید و چه پیشنهادی دارید؟ یا اصلاً به فکر این کار نیستید. به نظر می رسد شما با آمریکایی ها و اسرائیلی ها بسته اید، و چون با آنها به تفاهم کامل رسیده اید، امکان توسعه روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با این سوی ارس را در تضاد با آن توافقات می دانید، قطعاً لغو روادید مرزی در شعاع 45 کیلومتری درهمین راستا قابل تحلیل است.

در پایان آمادگی کامل خود برای گفتگوی صمیمی با شما و سایر نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان در خصوص موضوعات گفته شده و سایر مسائل در خصوص روابط دو کشور را اعلام می نمایم.

آقای سیاووش نوروزاف

نماینده محترم پارلمان جمهوری آذربایجان

با سلام

آمادگی جنابعالی برای مناظره و مذاکره مایه مسرت گردید. بنده معتقدم این گونه مکاتبات و مذاکرات حضوری که به لطف خدا در آینده اتفاق خواهد افتاد، در نهایت به نفع مردم دو کشور دوست و همسایه خواهد بود، لیکن مجددا یاد آوری می کنم که سرمایه اصلی انسانیت، ادب است که مع الاسف در دنیای امروز بسی کمرنگ شده است، لذا امیدوارم شما در رعایت این سرمایه انسانی بیش از پیش کوشا باشید. تا مذاکرات به نتایج مثبتی منجر گردد.

لازم می دانم با توجه به محتوای یادداشت و نامه های قبلی و نیز در پاسخ به جوابیه شما مطالبی را به اختصار مطرح نمایم:

1- قرار بود که جنابعالی در خصوص ریشه دو اصطلاح زیبای «سیاووش» و «نوروز» تحقیق کنید که تا کنون علیرغم تاکید بر فضل و دانش خود در عرصه تاریخ سخنی در این خصوص نگفته اید؟ اگر دسترسی به منابع برایتان سخت است، یا امکان مطالعه از اسناد قدیمی به دلیل تغییر مکرر الفبا را ندارید اعلام فرمائید تا در حد مقدمات کمک نمایم.

2- قرار بود که جنابعالی فهرستی از اقدامات مجلس جمهوری آذربایجان به خصوص طرح هایی که با پیشنهاد خودتان در خصوص «آزادی قره باغ» و «تحکیم و گسترش روابط با ایران» مصوب شده اند را ارائه نمایید که همچنان مورد انتظار است.

3- شما در جوابیه ای که در اختیار رسانه ها قرار داده اید، برقراری رژیم ویزا بین کشورها را یک استاندارد بین المللی و نشانه شخصیت و هویت انسانها معرفی نموده اید، سوال اینست که آیا کشورهای زیادی از قبیل ایران و

ترکیه و یا کشورهای اتحادیه اروپا مانند آلمان، فرانسه و... که به صورت یک طرفه و یا دو طرفه اقدام به لغو رژیم ویزا نموده اند، استانداردهای بین المللی را نقض کرده اند؟ و یا از منظر شما به هویت و شخصیت انسانها توهین نموده اند؟ آقای نوروزاف! دنیا در حال تبدیل شدن به دهکده جهانی است، مرزها معنای گذشته خود را از دست داده اند، دیگر نمی توان بسان کمونیستها مرزهای آهنین درست نمود.

بنده بر خلاف شما معتقدم، لغو رژیم ویزا توسط دولتها نشانه احترام آنان به کرامت انسانی و نماد اعتماد دولتها به مردم خود و مردم کشورهای همسایه و نیز بیانگر محبت و دوستی و برادری میان دولت – کشورهاست و بر عکس ایجاد رژیم ویزا و بدتر از آن لغو تسهیلات گذر مرزی – که نقطه شروع مکاتبات حاضر می باشد – توسط یک دولت به معنای بی اعتمادی همان دولت به مردم خود و مردم کشور مقابل می باشد. طبیعی است دولت – کشوری که در آن بین حکومت کنندگان و حکومت شوندگان اعتماد متقابل وجود نداشته باشد به چه سرنوشتی دچار خواهند شد؟

علاوه بر این مطالب؛ لازم است ما نمایندگان پارلمانهای کشورهای اسلامی در مقابل آنچه شما از آن به عنوان استانداردهای بین المللی نام می برید، مطیع محض نباشیم و در تنظیم روابط بین المللی خود علاوه بر آن استانداردها – که شما مدعی آن هستید نه واقعیت ها – ارزش های دینی و ملی خویش را در نظر داشته باشیم. ارزشهای اسلامی ما را به همگرایی و نه واگرایی دعوت می نماید.

البته در این خصوص لازم به توضیح می دانم که رژیم ویزا به عنوان یک ابزار کنترل سیاست خارجی، کارکردهای خاص خود را دارا بوده و استفاده صحیح از آن جزء حقوق بین المللی یک دولت – کشور محسوب می گردد.

4- آقای سیاووش نوروزاف! در جوابیه خود از اصطلاحی تحت عنوان « ترکان آذری » سخن گفته اید، می

خواستم به شکل علمی و تاریخی و به صورت مستند در این خصوص بیشتر سخن بگوئید. خاستگاه آنان، ویژگیهای تاریخی و نژادی آنان، زبان تاریخی آنان، موقعیت جغرافیایی آنان و... را تشریح فرمائید.

5- آقای نوروزاف! در جوابیه خود از تاریخ گفته اید که سخت به آن علاقمندم، خود را معلم تاریخ معرفی نموده و از آمادگی خویش را برای آموزش اینجانب خبر داده اید که سبب افزایش علاقه ام نسبت به شما گشته است. مایلم در یک فضای علمی و دانشگاهی در خصوص تاریخ مشترکمان به گفتگو بنشینیم.

آقای نوروزاف! واقعیت اینست که امروزه ریشه برخی مشکلات موجود در منطقه استراتژیک قفقاز و حتی سرمنشاء مشکلاتی همچون مناقشه قره باغ در تاریخ منطقه نهفته است. چه ظلم ها و چه خیانتها و چه تحریفات که در حق تاریخ منطقه روا داشته نشده است؟ صدها بار متاسفم این را بگویم که این تحریفات حتی در شرایط فعلی نیز که در عصر ارتباطات به سر می بریم همچنان ادامه می یابد و به ابزار سوء استفاده برخی تبدیل شده است. آیا می شود به این تحریفات پایان داد؟ آیا می توان تاریخ راستین را به فرزندان معصوم این منطقه یاد داد؟ آیا می توان گذشته خود را به نیکی شناخت؟ و...

پیشنهاد مشخص من اینست که اینک که آرام آرام به «نوروز» نزدیک می شویم، در اولین روز نوروز در کنار رود پر رمز و راز ارس حاضر شویم و تاریخ را با همدیگر مرور کنیم. شاید از زلالی ارس یاد بگیریم که ما نیز ارس گون باشیم و صادقانه سخن بگوئیم. بیائید در کنار ارس از نیاکان مشترکمان از عباس میرزا و جواد خان و ... که در راه میهن از هیچ جانبازی دریغ نکردند یاد کنیم، از خیانت های دشمنان، از توطئه های بیگانگان و از اینکه چگونه «ارس» مرز میان من و تو شد سخن بگوئیم و... مایلم گلستان و ترکمنچای را دگر بار در آئینه ارس به تماشا بنشینیم و...

6- پیشنهاد می نمایم پس از انجام دیدار نمادین در کنار ارس، به صورت متقابل در دانشگاه های ایران و جمهوری آذربایجان حاضر شویم و در حضور اساتید، دانشجویان و رسانه های دو کشور به صورت علمی در خصوص تاریخ منطقه صحبت نمائیم. مطمئن هستم بسیاری از مسائل مشخص خواهد شد. من به منظور نشان دادن عزم جدی خویش چند موضوع را پیشنهاد می نمایم، شما نیز می توانید موضوعاتی را مطرح کنید. طبیعی است بررسی همه جانبه این مسائل و سایر موضوعاتی که به ترتیب پیش خواهد آمد نیازمند تشکیل کمیته علمی دو طرفه ای است که بنده اعضای این کمیته را در مکاتبات بعدی معرفی می نمایم تا با اساتید معرفی

شده از سوی شما مسائل مختلف را مورد کنکاش علمی قرار داده و نتایج آن را برای استفاده همگان منتشر نمایند .

موضوعات پیشنهادی اینجانب برای گفتگو عبارتند از :

-بررسی پیوندهای فرهنگی ،اجتماعی و مذهبی ساکنان شمال و جنوب ارس قبل و بعد از ورود اسلام

به این منطقه تا قبل از انعقاد قرار دادهای گلستان و ترکمنچای

-بررسی اسناد برجای مانده از آن دوران در خصوص احکام انتصاب ،عزل ،اخذ مالیات از مسئولین

محلی منطقه قفقاز

-بررسی شخصیت‌های علمی ،مذهبی و آثار آنان در دوران قبل از گلستان و ترکمنچای

-زمینه ها ، دلایل ، مفاد و نتایج قرار دادهای گلستان و ترکمنچای

-اسامی مناطق جغرافیایی شمال و جنوب ارس در اسناد ، نقشه ها ی تاریخی ،سفرنامه ها ، کتب

تاریخی و جغرافیایی مانند معجم البلدان ، آثار البلاد و اخبار العباد ، حدود العالم من المشرق الى المغرب، نزهة القلوب

-بررسی آثار و اسناد محافل و شخصیت‌های روسی مانند دایره المعارف های روس و نیز آثار استاد

بارتولد و...

-بررسی آثار شخصیت‌های برجسته شمال ارس مانند نظامی گنجوی و...

-بررسی رفتار اجتماعی و آثار علمی علمای شمال ارس قبل و بعد از گلستان و ترکمنچای

-بررسی کتب درسی جمهوری آذربایجان مانند «آتایوردو» و تطبیق آن با کتب تاریخی معتبری که

اتفاقا توسط ساکنان گذشته و معاصرشمال ارس نگاشته شده اند ، کتبی مانند کتاب گلستان ارم اثر مرحوم

میرزا عباسقلی قدسی (عباسقلی آقا باکی خانوف) که خود شاهد انعقاد قرار داد گلستان بوده است ، کتاب

ریاض السیاحه میرزا زین العابدین شروانی ، تاریخ آتورپاتکان پروفیسور اقرار علی یف و...

-بررسی آثار بر جای مانده از محمد امین رسول زاده بنیانگذار جمهوری آذربایجان در سال 1918 ،
به خصوص کتاب « کتاب جمهوری آذربایجان ،چگونگی شکل گیری و وضعیت کنونی آن » و نیز مکاتبات وی
با شخصیت‌های ایرانی و...

-بررسی مکاتب معماری منطقه و علت یابی اشتراکات موجود در معماری ایران و قفقاز

-بررسی الفبا و تقویم تاریخی قفقاز و دلایل تغییرات اساسی در آن

-بررسی نحوه تشکیل جمهوری اول آذربایجان در سال 1918 ، نقش افراد و کشور های مختلف و
واکنش مردم کشورهای همسایه و...

البته این موضوعات از باب پیشنهاد ارائه گردید و گر نه می توان در خصوص طیف گسترده ای از موضوعات
فرهنگی، اجتماعی و دینی مانند وضعیت آزادی بیان ، وضعیت اقوام مختلف ، وضعیت آواره گان قره باغ ، را
هکارهای ارتقاء روابط سیاسی و... ، وضعیت آزادی های دینی ، وضعیت تحمل پذیری دینی و... به بحث و گفتگو
نشست.

در اینجا لازم می دانم به منظور جلوگیری از تبلیغ ناصواب برخی گروه ها، صریحا اعلام نمایم که اینجانب مانند
همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران و عموم مردم ایران اسلامی؛ استقلال و تمامیت
ارضی جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخته و تقویت این استقلال و آزادی اراضی اشغالی جمهوری
آذربایجان را از مهمترین الویتهای سیاست خارجی ایران می دانم و حاضرم همانگونه که در زمان ریاست
جمهوری مرحوم حیدر علی اف برای آزادی قره باغ از اشغال ارامنه تلاش می نمودم اکنون نیز با همکاران خودم
در پارلمان باکو در این خصوص همفکری نمایم. من قره باغ را تنها مشکل جمهوری آذربایجان نمی دانم، قره باغ
مشکل جهان اسلام نیز هست .(البته موضوع قره باغ می تواند موضوع گفت و گوی یکی از جلسات مشترک ما
باشد)

اینجا لازم می دانم از دیگر نماینده پارلمان آذربایجان ،آقای چنگیز غنی زاده نیز - که نمی دانم با چه استدلالی
دعوت اینجانب از نمایندگان پارلمان آذربایجان به منظور گفت و گوی صمیمی و سازنده را به طور قاطع محکوم

نموده اند! - تشکر نمایم. در پایان فرمایش امام علی (ع) را برای دوستانم در پارلمان باکو به ویژه برای آقای سیاووش نوروزاف یاد آوری می نمایم که فرمودند « رستگاری در راستگویی است ». آزادی قره باغ و پیروزی مردم جمهوری آذربایجان در همه عرصه های داخلی و خارجی را از خداوند منان مسالت می نمایم.

نامه سوم ؛ 91/12/21

بسمه تعالی

از پارلمان تهران

به پارلمان باکو

سلام نوروز خان

قریب یک ماه از تاریخ نگارش آخرین نامه‌ام به شما می‌گذرد، لیکن جنابعالی تا کنون بر خلاف اظهارات خود که در نامه‌های قبلی تان برای مناظره اعلام آمادگی نموده بودید، پاسخی به پیشنهادهای مشخص و شفاف اینجانب نداده‌اید؛ لذا لازم دیدم با نگارش این نامه، دوباره از شما برای انجام گفت‌وگویی صمیمی و متقابل در ایران و جمهوری آذربایجان دعوت کنم تا در حضور اصحاب علم و رسانه دو کشور در خصوص واقعیت‌هایی که مدت‌هاست در پوششی از تحریف کتمان شده‌اند، گفت‌وگو نماییم.

نوروز خان؛ چند روز پیش میلاد پیامبر اکرم (ص) را پشت سر گذاشتیم، می‌دانم که این روز در کشور شما تعطیل رسمی نیست. راستی به عنوان یک مسلمان، اقدامی برای تعظیم این روز در جمهوری آذربایجان انجام داده‌اید؟ آیا اصلاً شناختی از پیامبر دارید؟ می‌دانید که ایشان تا چه اندازه به کرامت انسان‌ها توجه می‌نمودند و می‌دانید چه اهمیتی به حجاب زنان می‌دادند؟ همان حجابی که اکنون چند سالی است آن را رسماً در مدارس متوسطه و به صورت غیر رسمی در کل جمهوری آذربایجان ممنوع نموده‌اید؟ البته می‌دانم که شما در مجلس مصوبه‌ای در این خصوص نداشته‌اید، ولی آیا شما نمی‌توانید به بخشنامه ضد اسلامی وزیر تحصیل‌کشورتان واکنش نشان داده و آن را لغو نمایید؟ آیا نمی‌توانید ممنوعیت صدور اسناد هویتی با پوشش اسلامی را لغو نمایید و...؟!

راستی آقای نوروزخان شما به عنوان نماینده پارلمانی که از جمله اقدامات آن، لغو ممنوعیت همجنس‌بازی در کشورتان است، چه احساسی دارید؟ آیا می‌دانید عضویت در شورای اروپا و یا هر سازمان و نهاد بین‌المللی دیگر به قیمت زیر پا گذاشتن قوانین مسلم اسلامی چه عواقب ناخوشایندی در دنیا و آخرت دارد و...؟

آقای نوروزخان، قرار بود اول نوروز در دو سوی ارس و در یک اقدام نمادین، همدیگر را ملاقات کنیم. نگرانم شما با آن تقویم میلادی که به جای تقویم ملی و اسلامی تان به شما عرضه داشته‌اند، نتوانی روز اول نوروز را

تشخیص دهید. اصلاً آیا شما و دوستانتان در پارلمان باکو به این اندیشیده‌اید که روس‌ها چرا تقویم اسلامی و الفبای قرآنی شما را گرفتند و در مقابل تقویم میلادی و الفبای کریل را به شما دادند؟! آیا در کشورتان و در پارلمان این آزادی وجود دارد که بتوانید در این خصوص گفت‌وگو کنید؟ آیا می‌دانید با مصادره تقویم اسلامی و الفبای قرآنی ظلم بزرگی به تاریخ و فرهنگ شما وارد شده است؟ آیا نمی‌خواهید برای جبران آن و بازگرداندن تقویم به تقویم ملی و اسلامی خویش که همان تقویم هجری شمسی است، کاری انجام دهید؟ اگر در پارلمان باکو همین یک کار را بتوانید اجرایی نمایید، خدمت بزرگی به مردم مسلمان جمهوری آذربایجان نموده‌اید، چرا که آنان راحت‌تر می‌توانند مناسبت‌های ملی و اسلامی خویش را تعظیم کنند.

آقای سیاوش نوروزاف! همچنان منتظر پاسخ شما هستم. امیدوارم در خصوص آنچه در این نامه مذکور افتاد تفکر نمایید، چه این که در فرهنگ اسلامی تفکر ارزش والایی دارد.

منصور حقیقت‌پور، نماینده مردم اردبیل، نیر و سرعین در مجلس شورای اسلامی

نامه چهارم ؛ 92/12/25

بسمه تعالی

آقای سیاوش نوروزخان

امیدوارم از اینکه وارد مناظره با بنده شده اید، پشیمان نشده باشید. بالاخره بایستی بر اساس اصول یک مناظره منطقی؛ یا ادعاهایی را که نموده اید ثابت کنید و یا اعلام نمائید که قانع شده اید، توصیه می کنم از عصبانیت که گویا خصوصیت بارز شماست حذر کنید زیرا احتمال دارد از روی عصبانیت چیزی بنویسید که در شأن شما نماینده محترم پارلمان باد کوبه نباشد.

نوروز خان یادتان باشد که در اول نوروز؛ کنار رود ارس وعده دیدار من و شماست؛ باهم قرار گذاشتیم که در ساحل ارس گفتگوی برادرانه علمی داشته باشیم؛ یادت باشد در آن روز لباس نو بپوشی حتماً آداب نوروز را بلد هستید، راستی اولین روز نوروز را توانستی پیدا کنی؛ از تقویم میلادی که شما دارید شاید سخت باشد، به هرحال نوروز خان اگر نتوانستی اولین روز نوروز را تشخیص دهی اعلام کنید تا راهنمایی کنم.

نوروز خان در آخرین نامه ات گفته ای که من به موضوعات شما پاسخ نداده ام؛ برادر عزیزم شما که به جز بداخلاقی و بی ادبی چیزی تحویل ما ندادی، بنده ده ها موضوع علمی برای شما عنوان کرده ام و گفته ام حاضریم با شما به زبان و الفبای مادری خودتان مناظره و مکاتبه داشته باشیم، اگر باز هم استفاده از زبان و خط مادری برای شما سخت است، حاضریم کمک نمایم.

خدا از سر گناه کسانی که خط و الفبای شما را از دستتان گرفتند نگذرد، آنها لطمه بزرگی به فرهنگ و تمدن شما وارد نمودند، در عجب هستم چطور این لطمه را بعنوان روشنفکری و غرب گرایی تعریف می کنید؛ کمونیستها و بعدها غربی ها که آثار پوسیده تمدنی خود را برای ما و شما به رخ می کشند چگونه تمدن و فرهنگ شما را غارت کردند، آنها خط شما را گرفته اند، تقویم شما را عوض نموده اند و تازه خوشحال هستید که به خیل روشنفکران غرب گرا گرایش پیدا کرده اید.

امروزه؛ غرب به اسم تمدن با دست شما ناموس زنان مسلمان را به مسخره می گیرد و به دست شما حجاب از سر خواهران و مادران مسلمان ما در جمهوری آذربایجان بر می دارد؛ آنگاه شما اسم این فاجعه را رشد و تعالی فرهنگ می گذارید.

نوروز خان این فرصت که امروز در اختیار شماست، فردا در پیشگاه خدای بزرگ باید پاسخ این نعمت را بدهی؛ البته اگر قائل به معاد و روز قیامت باشید؛ راستی پیشنهاد می کنم این موضوع معاد و قیامت را نیز بعنوان یکی از موضوعات مورد بحث خودمان قرار دهیم، زیرا اگر اعتقاد به معاد سست شود حتماً توجیه خطا و معصیت قابل توجیه است.

نوروز خان؛ اگر یادتان باشد، قرار بود موضوعات علمی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی مورد نظر خودتان را برای تنظیم مناظره ها همچنان که بنده ارسال کردم شما نیز ارسال نمایید، که تا کنون از انجام آن خودداری نموده اید، اصلاً آیا آزادی انتخاب موضوع را داری؟ یا باید از دیگران اجازه بگیرید؟ می دانی چرا این سوال را می کنم، چون شما در مکاتبات گذشته مدام حرف خود را عوض نموده و از این شاخه به آن شاخه رفته اید و در نهایت به افترا و تهمت پرداخته اید. نوروز خان یادت باشد به قول مولای من علی بن ابی طالب که می فرماید: رستگاری در راستگویی است؛ انتظار دارم که راستگو بوده و از تهمت و دروغ بپرهیزید.

آقای نوروز خان در خصوص قره باغ و کمک به آرامنه صحبت کرده ای، اگر آدرس به شما بدهم حاضری به عنوان یک وکیل پارلمان بادکوبه آن را پی گیری کنی؟ آیا محمد رفیع محمد اف رامی شناسی؟ آیا تا به حال، آقای دایی عضو تشکیلات نخست وزیری آذربایجان در خصوص قره باغ با شما صحبت نکرده است؟ آقای نوروز خان آیا تلویزیون ملی شما اجازه پخش بعضی از فیلم ها که در اختیار ماست را می دهد؟ شما بعنوان یک نماینده آیا می توانی از نهادهای دولتی و ارتش کشورتان بخواهید که بعضی از فیلم ها و واقعیت ها ی قره باغ را در اختیارتان قرار دهند؟

آقای نوروز خان از رزمندگانی که در پادگانهای آموزشی واقع در روستاهای قلعه، اوچ تپه و ... حضور داشتند می توانید آدرس ما و خدمات ما را بپرسید؛ همچنین از ساکنان مناطق محل در گیری مانند آق دره و ... می توانید در این خصوص پرس و جو نمائید، اگر دولتی ها به شما واقعیت را نگفتند، مطمئن هستم که آذری های فهیم و وفادار؛ اگر شما و دستگاه امنیتی تان مردم را اذیت نکنید، بسیاری از واقعیت ها را به شما خواهند گفت.

راستی می توانی؛ یک وقت از تلویزیون ملی آذربایجان البته بدون سانسور برای اینجانب بگیری تا خائنان به سرزمین اسلام یعنی قره باغ را برای مردم آذربایجان معرفی کنم.

نوروزخان می دانی کدامیک از مسئولین شما از خانکندی و خوجالی ، گنجه و ... فرار کردند و دقیقه ای حاضر به مقاومت در آن منطقه نشدند، اگر حیدر علی اف زنده بود واقعیت ها را به شما می گفت ، دلم به حال شما می سوزد که یا نمی دانید یا به شما می گویند واقعیت را ندانید.

شما نماینده محترم چه سابقه مبارزاتی و جنگ در قره باغ داری؟ آیا سابقه خودت را در این نبرد می توانی به ما بگوئی؟

چه تعداد از وزراء ، نمایندگان ، و مسئولین خودشان یا فرزندان شان در قره باغ مبارزه کرده شهید یا مجروح شده اند آیا می توانی آماری جهت قضاوت تاریخ اعلام کنی؟

راستی نوروزخان شما بعنوان نماینده محترم در پارلمان بادکوبه تاکنون چه قوانینی در خصوص آزادسازی قره باغ در پارلمان مصوب کرده اید ؟

آقای نوروزخان اگر در صحنه جنگ قره باغ حضور نداشته ای ؛اگر برای آزاد سازی قره باغ در پارلمان اقدامی انجام نداده ای، اگر اراده ای برای آزاد سازی قره باغ از طریق جهاد و مبارزه نداری؛پیشنهاد می کنم صحبت در خصوص قره باغ را به مردانی محول کن که اراده آزاد سازی آن داشته باشند ، مردانی که برخی از آنها به جرم دفاع از اعتقادات دینی خود هم اکنون در زندان به سر می برند.

نوروزخان از یک میلیون آواره قره باغ چه خبر آیا برای این آوارگان برنامه ای داشته ائید؟ آیا نوروزخان اگر جرأت و صداقت داری؛در خصوص قره باغ آماده مذاکره کامل و تبادل نظر هستیم، ولی اگر برای آزاد سازی قره باغ تاکنون اقدامی نکرده ای لطفاً ساکت باش .

آقای نوروز خان در آخرین پاسخ خودت ،از ارتباط سیاسی ایران با ارمنستان صحبت نموده ای ؛حتما می دانی که روابط دو کشور در حد همسایگی و بسیار کمتر از روابط تهران – باکو است ، از قطع رابطه ترکیه و ارمنستان صحبت نموده اید در حالی که ترکیه اساسا به خاطر اختلافات خود با ارمنستان ؛با این کشور قطع رابطه نموده

و نه به خاطر آذربایجان ؛ البته آن هم زیاد به درازا نخواهد کشید؛ با جهت گیری اخیر دولت ترکیه که به نفع جریانات غربی در حال تغییر است حتماً توسعه رابطه ارمنستان و ترکیه را نیز شاهد خواهید بود. ضمناً حتماً از روابط اقتصادی گسترده ترکیه و ارمنستان اطلاع دارید.

راستی شما چرا با دشمن مسلمانان؛ اسرائیل رابطه استراتژیک برقرار کرده اید و چرا اجازه می دهید این دشمنان جهان اسلام در خانه شما ساکن شوند و توطئه بر علیه جهان اسلام را از خانه شما طرح ریزی کنند؛ حتماً چوب این اقدام خائنانه خود را در آینده خواهید خورد و با آزاد سازی مناطق اشغالی توسط فرزندان مسلمان فلسطین ؛ روسیاهی به زغال خواهد ماند.

در خصوص جنگ ایران و عراق نیز صحبت نموده اید؛ حاضرم به عنوان یک موضوع مستقل با شما بحث کنم، البته اگر صلاحیت علمی برای ورود به این بحث را با ارسال یک مقاله حتی کوتاه از خودت نشان دهید؛ ما ۸ سال دفاع کردیم نه جنگ؛ می دانی حکم دفاع و جنگ در اسلام متفاوت است ؛ در ضمن توصیه می کنم حافظه تاریخی خودت را تقویت کن؛ دفاع مقدس ما ۸ سال بود نه ۱۰ سال؛ به همکاران خودت بگو که اطلاعات صحیح به شما بدهند.

نوروز خان ادعا عجیبی نموده ای که در جنگ عراق علیه ایران یک میلیون نفر آذری از ایران و یک میلیون آذری از عراق کشته شده اند؛

آذری ها در عراق چه کار کنند؛ در جهاد مقدس ایران هم تمام قومیتها اعم از آذری ، کرد ، عرب ، بلوچ ، لر و ... حضور داشتند و مردانه جنگیدند؛ البته آذری ها که انسانهای غیوری بودند به دلیل این که فرماندهان فداکار و لایقی بر آنها حاکم بود نقش موثرتری در دفاع مقدس داشتند؛ افسوس آذری های جمهوری آذربایجان سالهاست بیست درصد خاکشان در اشغال است. راستی علت این تفاوت چیست؟ آیا آذری های ایران و آذربایجان فرق دارند ؟ یا مشکل جای دیگری است؟ مطمئن هستم تفاوت در اراده صاحبان قدرت و فرهنگ حاکم بر آنهاست.

نوروز خان؛ گفته ای عید نوروز ربطی به اسلام ندارد؛ آیا می توانی در خصوص جایگاه نوروز در اسلام تحقیق کنی ؟ می دانید که در آموزه های اسلامی بر این سنت پاک تاکید شده است و نوروز بعنوان روز مبارکی دانسته

شده است؟ راستی نوروزخان تو که نه تقویم هجری قمری می دانی و نه هجری شمسی و نه امکان دسترسی به

متون اسلامی را داری؛چطور از اسلام حرف می زنید ؟

نوروزخان ! فرموده ای نوروز متعلق به ترکان است ، بسیار متشکرخواهم بود از منظر علمی ، تاریخی مستندات

خود را اعلام کنی؛ راستی اگر تمایل داشتی این هم بعنوان یکی از موضوعات مورد بحث خودمان باشد .راستی

اعیاد ویژه ترکان را می توانی برای بنده فهرست کنی؟

در مورد آخرین نکته ای که گفته ای باید یاد آور شوم که لازم است اطلاعات خودت را در خصوص الفبا تقویت

کنی؛جرا که وقتی می گویی که در دنیا سه نوع الفبای قدیمی وجود داشت است بسیاری از علما، اساتید،

دانشجویان به درک و فهم شما از واقعیت ها خواهند خندید و این برای شما بعنوان یک پارلمان باد کوبه زشت

است.

نوروز خان! به امید دیدار شما در روز اول نوروز در کنار ارس .

نوروز خان راستگو باش زیرا که رستگاری در راستگویی است

نماینده مجلس شورای اسلامی ایران

منصور حقیقت پور

نامه پنجم ؛ 92/1/1 – تبریک عید نوروز

بسم الله الرحمن الرحيم

خواهران و برادران عزیز آذری!

من از طرف همه مسلمانان و انسانهای عدالت طلب ایران به مناسبت عید نوروز و فرا رسیدن فصل بهار به شما

تبریک گفته و درود فراوان از تبریز، اردبیل، ارومیه و زنجان را به شما می فرستم.

عظمت دین اسلام در آن است که عادات و رسوم مفید قبل و بعد از خود را می‌پذیرد. ردگرایی و نشنیده رویگردان شدن نه در شأن دین خداست و نه در شأن بندگان خدا. مردمان آن سو و این سو مردمان عالمی هستند. فرق اساسی میان عالم و جاهل آن است که آنچه را عالم از همان اول می‌پذیرد، فرد جاهل در آخر کار می‌پذیرد. مردم آذربایجان از مردمانی‌اند که به دین اسلام آغوش مملو از محبت گشوده‌اند؛ چون اهل استدلال هستند و منکر حق نمی‌شوند. مردمانی که اسلام و سایر حقایق را چشم‌پسته انکار نموده‌اند در تاریخ کم نیستند. اما مردم ما بر خلاف برخی اقوام جاهل، "اسلام دین عرب است" نگفته و به حقیقت دین عرضه شده توجه نموده‌اند. مردم ما اسلام را دینی مفید یافته و شهادتین را با جان و دل بر زبان آورده‌اند.

اسلام آخرین و کامل‌ترین دین خداست. پذیرش نوروز از طرف این دین نیز از عظمت آن است. رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) با در نظر گرفتن حقیقت نوروز نسبت به آن نظر خوبی ابراز داشته و حتی دعا‌های ویژه برای این روز ذکر کرده‌اند.

حقیقت نوروز چیست؟ مردم در نوروز خانه‌های قلبی و جسمی خود را شسته و تمیز می‌کنند، در خانه‌ها گرد و خاک و در قلبها کینه و کدورت نمی‌ماند. اگر انسانی در زبان اسلام بیاورد و لیکن در عمل به خدا نزدیک نشود چه فایده‌ای دارد؟ اگر انسان در نوروز گرد و غبار قلب خود را پاک نکند، در واقع بهره‌ای از این عید نبرده است. حضرت امیرالمومنین (ع) می‌فرماید روزی که انسان در آن گناه نکند عید است. بله، انسان همانطور که در عید نوروز خانه خود را تمیز می‌کند و لباسهای نو می‌پوشد، اگر بتواند آلودگی‌های روحش را هم شستشو دهد، پس برای او عید است.

نوروز خدایسپندانه را برای شما آرزو می‌کنم. خداوند از قلبهای بهاری شما عطر گل را دریغ نکند. نوروز آینده را انشاءالله در قره باغ زیبا و در کنار چشمه عیسی جشن بگیریم.

یکی از بزرگترین رسالتهای نوروز آشتی افراد قهر کرده است. این پیام تبریک بنده نیز بر اساس همین رسالت نوشته شده است. این تنها تبریک نیست، بلکه تلاش برای از بین بردن فتنه‌های دشمنان هم هست که همواره در میان آذربایجان و ایران به وجود آورده‌اند. ما به خاطر باور خود به دشمن خیلی چیزها از دست دادیم. اگر

سیمهای خاردار را که مردم هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پاره کردند، دوباره نمی کشیدند، اکنون مجبور نبودیم که از دور با هم سخن بگوییم و اکنون خواهران و برادران آذری اطراف رود ارس در کنار سفره نروزی با هم می گفتند، می خندیدند و به آرزوهای ناکام استکبار جهانی لبخند می زدند. ایران این را نمی خواست و مطمئنم که مردم آذربایجان نیز از وجود سیمهای خاردار در میان دو برادر لذت نمی برد. می گویند ارس وطن را به دو بخش تقسیم کرده است. من فکر می کنم این حرفها ارس را اذیت می کند. چرا که او نیز همانند رود کر یک نعمت الهی برای این مملکت است. آنچه وطن را دونیمه کرده ارس نیست، مرز است، رژیم ویزاست، دوربینهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل است که وزش باد را نیز دنبال می کنند.

یکی از دوستان باکویی من مثل جالبی می زد. می گفت به کسی که نمی شناسم یک بار، به کسی که می شناسم دو بار و اگر از فامیلهایم باشد سه بار تذکر می دهم. اما اگر پدر، مادر، خواهر، برادر، خانواده و یا فرزند باشد، آنقدر می گویم تا بفهمد. آذری ها خواهران و برادران من هستند. بنابراین به خاطر دست بردار نبودنم مرا ملامت نکنید. به عنوان مثال، کسی انتظار نداشته باشد که من درمورد قره باغ سکوت کنم.

من به این مردم حرفهایی برای گفتن دارم. من این مردم را مثل جانم دوست دارم و هیچ ایرادی نسبت به آنها ندارم. رسول اکرم (ص) می فرماید که مردم را متهم نکنید. کسانی که اخبار را دنبال می کنند، می دانند که برای رساندن حرف خود خیلی وقت است از سیاوش نوروزاف، نماینده مجلس ملی آذربایجان دعوت کردم تا به شرط پخش زنده تلویزیونی در کنار رود ارس در باره مشکلات میان دو کشور گفتگو کنیم. خیلی دوست داشتم که هم مردم جمهوری آذربایجان و هم مردم ایران این گفتگوها را به طور زنده ببینند و شاهد باشند که سردی روابط فقط فتنه دشمن است، این دو مردم برادر هم هستند و غیر از محبت چیزی برای تقسیم ندارند. اما خواست من عملی نشد و از آخرین پاسخ نوروزاف مأیوس شدم، اگر او می گفت که در نوروز آینده در قره باغ گفتگو می کنیم، خوشحال می شدم. اما گفت که سال آینده وقتی در تبریز رئیس مجلس شدم، گفتگو می کنیم. نماینده مجلس ملی جمهوری آذربایجان و یکی از رهبران حزب حاکم ینی آذربایجان (آذربایجان نو) از حقوق و عرف بین الملل نیز بی خبر است. یکی باید پرسد که جناب نوروزاف، اگر این اندازه قدرت داری، چرا قره باغ را پس

نمی‌گیری؟ تو بیست سال است در برابر ابرقدرتها خم شدی که قره باغ را بگیرند و به شما برگردانند. اما ایران

33 سال است که با جهان می‌جنگد، ولی یک قدم نیز عقب‌نشینی ننموده و یک بار نیز سر خم نکرده است. شما با کدام سابقه‌ای این چنین با صدای بلند حرف می‌زنید. آیا تبریز را با باکوی مظلوم که به عرصه همجنس‌بازان جهان تبدیل کردید، یکسان می‌بینید؟ به یاد داشته باشید که هیچ تبریزی حتی به شما ساک خالی هم امانت نمی‌دهد. ایران را برگردید و اعتبار اهل تبریز را ببینید. اهل تبریز را با کراواتی که یک سرش در تل‌آویو و یک سرش در واشنگتن باشد، نمی‌توان فریب داد. از اینکه وارد گفتگو با نوروزاف شدم متأسف شدم. همه می‌دانیم که نمایندگان پارلمان در آذربایجان چگونه انتخاب می‌شوند. فیلمهای ویدئویی الشاد عبدالله‌اف این را به خوبی نشان داد. اما تبریز باکو نیست که کسی با رشوه، سفارش و یا پارتی‌بازی بتواند نماینده مجلس باشد.

باز هم امیدوار بودم که در دل این آدمها هر چند اندکی احساس مرحمت و عدالت باقی مانده باشد. اما مطمئن شدم که اگر مخاطب لایقی در آذربایجان وجود دارد، آن هم خود مردم است.

هر چند من به رسم ادب طی یادداشتی جداگانه جواب نوروزاف را دادم ولی باید بگویم سیافوش نوروزاف یک بهانه بود. من می‌خواستم به شبهات القا شده پاسخ دهم. اگر جایی صداقت نباشد، انسانی که به چاه نزدیک می‌شود به تذکرات دیگران باور نمی‌کند. امیدوارم سخنان صادقانه ام هم برای خودم و هم برای شما خواهران و برادران عزیزم مفید باشد.

اتهامات بزرگی به ایران زده شده است. آیا در جنگ قره باغ ما به نفع ارمنی‌ها کاری انجام دادیم؟ دنبال یک مقام رسمی بودم تا این مسائل را همراه با او حل کنیم. من پاسخ بدهم و مردم از سرچشمه شبهات آگاه شوند.

با هر که از قره باغ صحبت می‌کنم موضوع را عوض می‌کند. چرا از بحث پیرامون قره باغ می‌گریزند؟ انسان معمولاً از گفتگو درباره کاری که خودش مقصر است فرار می‌کند. اشغال قره باغ لکه ننگی است و ظاهراً حکومت اصلاً در صدد آزادی قره باغ نیست. چرا؟ اولاً آنها افرادی هستند که به زندگی تجملاتی عادت کرده‌اند، از صدای گلوله می‌ترسند و در پی دردسر برای خود نیستند. ثانیاً این کار یک ارتش واقعی می‌طلبد. ارتشی که در آن رشوه و مرگ و میر سربازان محوریت داشته باشد، انسانها به جرم نماز خواندن اخراج شوند و از آموزش و

تجهیزات نظامی بی بهره باشد، چه کاری می‌تواند بکند؟ متأسفانه ارتش نیز در آذربایجان یک بهانه برای پول -

شویی است. دولت آذربایجان از اسرائیل اسلحه می‌خرد ولی متعهد هم می‌شود که از آنها بر علیه ارمنستان استفاده نکند. یا اینکه اسلحه را می‌فروشند ولی بعضی از قطعات و یا گلوله آن را نمی‌فروشند. معلوم می‌شود که هدف فقط پول‌شویی است، نه تجهیز ارتش. و ثالثاً اگر جنگ آغاز شود، مردم از سردمداران می‌پرسند که فرزند شما کجاست؟

فرضا یک معجزه‌ای رخ داد و قره باغ برگردانده شد؛ مردم را چگونه به سرزمینهای ویران شده برمی‌گردانند؟ کسانی که ساختن تالار کریستال را به رخ می‌کشند، آیا دلشان می‌آید برای بازسازی قره باغ میلیاردها پول خرج کنند؟ الآن چه کار بکنند و مردم را با چه چیزی سرگرم کنند؟ درست در این موقع ساختن یک دشمن دروغین به ذهنشان می‌رسد. آنها با این کار هم افکار عمومی مردم مظلوم را فریب می‌دهند و هم آمریکا، اسرائیل و دیگر حامیان تجاوز ارمنستان را از خود خشنود می‌سازند. چون آنهايي که جنگ قره باغ را به وجود آوردند و یا مصالحشان در استمرار آتش این جنگ است، هر گز دوستی آذربایجان با ایران را تحمل نمی‌کنند. چرا که این به معنی آزادی قره باغ و پیروزی آذربایجان است. آنها دیدند که جوانان لبنان و فلسطین بر اثر دوستی با ایران چه پیروزی‌هایی به دست آوردند. این در حالی است که قدرت بالقوه آذربایجان بیشتر از آنها و قدرت ارمنستان به مراتب کمتر از اسرائیل است.

ایران را که 33 سال در مقابل آمریکای خونخوار مقاومت کرده، به عنوان عامل شر معرفی می‌کنند و آذربایجان بزرگ خیالی را مطرح می‌کنند تا قره باغ فراموش شود. من با تاریخدانان صحبت کرده و از آنها پرسیده‌ام که این آذربایجان بزرگ کی و در کجا تشکیل شده است؟ آنها بر روی دولت صفویه تأکید می‌کنند. می‌پرسم اگر صفویه دولت آذربایجان بوده، پس ایران کجا بوده است؟ به مرزهای دولت صفویه نگاه کنید: یک طرفش عراق و یک طرفش افغانستان. این است دولت آذربایجان؟

اگر شما دولتمردان پایبند به شعار تشکیل آذربایجان واحد هستید، پس چرا مرز را می‌بندید؟ مرز را باز و رژیم ویزا را لغو کنید تا آذربایجان متحد شود. ولی شما که حتی قانون تسهیلات مرزی را لغو نمودید.

ارمنی‌ها علیه شما ادعای ارضی دارند و می‌دانید که این یعنی چه و چه تأثیرات و عکس‌العمل‌های احساساتی را به دنبال دارد. اما با این حال به کشور ما ادعای ارضی می‌کنید. اسرائیل بزرگ، ارمنستان بزرگ، کردستان بزرگ از سیاست‌های استعماری قرن بیستم است. شما به قذتان نگاه کنید. ایران در برابر آمریکا و اسرائیل رجز می‌خواند. بزرگترین مدعی در این مورد اسرائیل است که در 7 سال اخیر سه بار کمر آن را شکستیم: در جنگ 33 روزه با حزب الله و در جنگ‌های 22 روزه و 8 روزه در غزه. ببینید این ادعا چه بلایی بر سر آنها آورده است. اما شما در ضعیف‌ترین حالت، ادعای زورمندی می‌کنید.

ما از دوران کودکی با ارزش‌های اسلامی آشنا شده و وظایفی را که خداوند برای بندگانش مقرر ساخته، به یاری او انجام داده‌ایم. لایبالی از ما به‌دور بوده است. اینکه یک انسان اسلحه برداشته، در راه دین و میهن وارد جنگ شود محکم‌ترین دلیل بر صداقت اوست. من با جنگ در میهنم و قره باغ سعی کرده‌ام که محبت به دین و میهنم را ابراز کنم. این را هم حتماً بگویم که محبت به آذربایجان تنها از برادر خونی بودن نشأت نمی‌گیرد. همه مقامات رسمی و همه مسئولان جمهوری اسلامی ایران؛ رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) در مورد آذربایجان را به یاد دارند. امام که اساتیدی همچون مرحوم آیت الله بادکوبه‌ای داشته، با اعتقاد به نیروی این سرزمین و بزرگواری مردمان آن با تأکید فراوان سفارش کرده بود: "مراقب آذربایجان باشید و یاری خود را از آنها دریغ نکنید".

مبلغان عداوت و دشمنی میان ایران و آذربایجان ایران را به خاطر روابطش با ارمنستان ملامت می‌کنند. رهبران آذربایجان با رهبران اشغالگر ارمنستان دیدار می‌کنند، می‌گویند، می‌خندند و سورت‌مه می‌رانند. آیا شما شاهدی دارید که کسی از مقامات رسمی ایران با این اشغالگران خوشگذرانی کند؟ ایران با ارمنستان روابط تجاری و اقتصادی محدودی دارد. این امر طبیعی است. من به صورت رسمی گفته‌ام و می‌توانم اثبات کنم که در جنگ قره باغ هر نوع کمکی به آذربایجان نموده ایم، در قره باغ به نفع اسلام و آذربایجان جنگیده‌ایم؛ در مقابل آنان نیز اثبات کنند که ایران حتی یک گلوله به ارمنستان داده است. مواد خوراکی و محصولات سبک صنعتی از چه

زمانی کمک نظامی محسوب می‌شود؟ محصول استراتژی نفت است که این را نیز خود آذربایجان به طور غیر مستقیم به تانکهای ارمنی می‌ریزد.

چرا با آمریکا دوست نمی‌شویم؟ چون دوستی با این قلدر اقتضای دارد. آذربایجان دوست شد و به میدان نظامی بر علیه ایران تبدیل گشت. همکاری نظامی باکو با اسرائیل مثل روز بر همه روشن است. به ترکیه نگاه کنید. کسانی که با شعارهای اسلام‌خواهی به حکومت رسیدند به ایادی آمریکا تبدیل شدند، به ساز ناتو می‌رقصند، با دیکتاتورهای عرب می‌نشینند و از اسد مطالبه دموکراسی می‌کنند. اگر روابط ترکیه و ایران قوی می‌شد این می‌توانست پایان آمریکا و غرب در منطقه باشد. در طول تاریخ روابط این دو کشور را به هم زده و به اهداف خبیث خود رسیده‌اند. وقتی اسلام‌گرایان در ترکیه به پا خاستند، آنها حساس شدند. دولتمردان ترکیه باید می‌فهمیدند که یک لبخند به روی آمریکا چه بهایی دارد. قرآن کریم به زنان تذکر می‌دهد که اگر به کسانی که در قلب خود مرض دارند، روی خوش نشان دهید، به فکر بدی می‌افتند. کار آمریکا و متحدان او نابودی مردمان است. اگر امروز به آنها بخندی فردا باید منافع ملی را قربانی کنی و دنباله رو استکبار جهانی باشی. این همان آمریکا است که اصلاحیه 907 مبنی بر ممنوعیت همه کمکهای دولتی به آذربایجان را امضا نموده است. از 36،6 میلیون دلار که برای سال 2013 به ایروان اختصاص داده شده، مبلغ 2،27 میلیون دلار برای همکاری‌های نظامی با ارمنستان در نظر گرفته شده است. چرا مردم آذربایجان را بر علیه ایران برادر تحریک می‌کنند، نه بر علیه آمریکا؟ بیایید به گمرگ و شاهد باشید که چه قدر به این برادری نیاز هست؟ خواهران و برادران آذری ما به خاطر کوچک‌ترین مسأله مادی و پزشکی به ایران می‌آیند. ما از اینکه می‌توانیم حتی به قدر ذره‌ای به آنها یاری برسانیم خوشحالیم.

من امیدوارم که سال آینده برای مردمان ما سال موفقی باشد. هم در ایران و هم در آذربایجان انتخابات ریاست جمهوری در پیش است. دنیا به این رقابتها نگاه خواهد کرد. دنیا خواهد دید که در کدام کشور سخن آزاد و انسانهای آزاد حاکم هستند. امروز به گفتگوهای من در کنار رود ارس پاسخ مثبت نیامد، اما در مکاتبات

مطبوعاتی بسیاری از نقاط مبهم روشن شد. به امید مژده از انتخابات آینده خواهران و برادران عزیز آذری را به

خداوند می سپارم.

منصور حقیقت پور

نوروز 1392

نامه ششم ؛ 92/1/3

آقای سیاوش نوروزخان

سلام

در پاسخ یادداشت قبلی بنده ، به چهارشنبه آخر سال و فرهنگ ایران باستان که شما هم در حقیقت جزیی از آن هستید ، اشاره داشته و عید نوروز را به ایرانیان تبریک گفته اید که متقابلا بنده نیز عیدنوروز را به جنابعالی و تمامی اهالی شریف آران ، شیروان،شکی ، گنجه ،اسماعیللی،قوبا،قره باغ،لنکران ،آستارا ،بادکوبه و سایر شهرها و روستاهای جمهوری آذربایجان تبریک عرض می کنم.

نوروز خان ! باز هم به مباحث مطروحه اینجانب جواب منطقی نداده ای و اکنون تعداد موضوعات پیشنهادی من

برای گفتگوی علمی به بیش از سی عنوان رسیده است ، گویا شما اختیار کافی برای ورود در این مسائل را

ندارید ، اگر چنین است، لطفا صراحتاً بفمائید تا شاید یکی از مسئولین آذری دارای قابلیت و صلاحیت سیاسی؛ ادامه مناظره با بنده را بر عهده گیرد.

آقای نوروزخان قبلاً شما را به رعایت ادب و اخلاق شخصی توصیه کرده بودم که انصافاً تا حدودی رعایت می فرمائید، اکنون مجبورم رعایت آداب سیاسی را نیز به شما یاد آوری کنم. البته یقین دارم، ایراد اصلی در این خصوص به سیستم انتخاباتی شما مربوط می شود، چرا که اگر مردم فهیم جمهوری آذربایجان حقیقتاً حق انتخاب داشتند، یقیناً نمایندگانی بر می گزیدند که شان آنها را رعایت نموده و حداقل به مبانی اولیه اخلاق و سیاست آشنا باشند.

نوروز خان در جوابیه خود از اصطلاح آذربایجان جنوبی و آرزوی استقلال آن سخن گفته اید ، گرچه این اصطلاح امروزه در ادبیات شمال ارس مورد استفاده قرار می گیرد، اما شما بعنوان یک نماینده مدعی برخورداری از سواد تاریخی و ادبی ، بایستی مبنای علمی این اصطلاح و مستندات آن را معلوم نمائید، آیا در نقشه ها و اسناد تاریخی محدوده ای با این عنوان مشخص شده است ؟ آیا در قرار دادهای گلستان و ترکمنچای چنین اصطلاحی وجود دارد؟ و...

آقای نوروز خان! بر مبنای صدها مستند علمی اعم از نقشه ، کتب تاریخی و جغرافیایی مولفان بومی و شرق شناسان ، سفرنامه های متعدد و ... که برخی از آنها را در مکاتبات قبلی معرفی کرده ام ، اصطلاحاتی همچون آذربایجان جنوبی و شمالی وجود خارجی ندارند، لازم نمی دانم استنادات نامه های قبلی مانند کتاب نفیس « گلستان ارم » را یاد آوری نمایم، در منابع معتبر و متعدد تاریخی همواره جنوب ارس با عنوان « آذربایجان » و شمال ارس با عناوینی همچون آلبانیا، اران، شروان، شکی، شاماخی ، گنجه ، بادکوبه و... شناخته شده و حتی این مهم را محمد امین رسول زاده ، بنیانگذار اولین جمهوری آذربایجان در مقدمه کتاب خود تحت عنوان «جمهوری آذربایجان ، چگونگی شکل گیری و وضعیت کنونی آن » تصریح نموده است.

نوروز خان ! نه من و نه جامعه علمی ایران و آذربایجان از شما انتظار اظهارات سست و بی اساس را نداریم، خوب است قدری بیاندیشید و بعد پاسخ گوئید که این سفارش بزرگان دینی نیز هست.

آقای نماینده ! از ارس به عنوان محل جدایی ساکنان شمال ارس از آذربایجان تاریخی یاد نموده و این موضوع را بهانه ای برای از فرار از ملاقات وعده داده شده اول نوروز در کنار ارس قرار داده ای ، حتما می دانی که جدایی شمال ارس از آذربایجان تاریخی ایران صرفا جدایی سیاسی بوده که بر پایه بلندپروازی های تزارهای روس؛ بر منطقه تحمیل شده و با وجود گذشت حدود دو قرن هنوز بین شمال و جنوب ارس جدایی فرهنگی و معنوی به معنای کامل خود اتفاق نیافتده و مردم شمال ارس همچنان به شهرهای ایران مانند تبریز و مشهد به عنوان آرمانشهر خود نگاه می کنند و اگر شما نیز برای ملاقات فوق حاضر می شدید،نشانی از هسویی تان با مردم آذربایجان بود که متاسفانه محقق نشد ، البته عدم حضور در این ملاقات تنها اقدام تان در مسیر عدم همگرایی شمال و جنوب ارس نیست و پیش از این نیز با حمایت از لغو قانون تسهیلات مرزی در پارلمان باکو- که نقطه شروع مکاتبات حاضر است- بی توجهی خود به افکار عمومی مرزنشینان ایران و جمهوری آذربایجان را نشان داده بودید.

نوروز خان ! آرزو کرده ای که به شهر تبریز ،شهر نیاکانت ،آمده و پس از ریاست بر پارلمان آذربایجان جنوبی در این شهر ؛ با من ملاقات کنی ؛ گمان می کنم با این خیال پردازی که شما دارید بهتر است به جای پارلمان در یکی از مقولات هنری به آرمانهای دولت باکو خدمت کنی ، شاید موفق تر باشید ؛ البته اعتراف شاید ناخواسته شما به اصالت خود و نیاکانتان ارزشمند است ، شما می توانید تبریز را شهر نیاکانیان خود بدانید؛ چرا که تبریز بعنوان یکی از مهمترین شهرهای ایران ؛ با توجه به نوع تقسیمات کشوری قبل از گلستان و ترکمنچای همواره به عنوان مرکز سیاسی و اجتماعی شمالغرب ایران مورد توجه ویژه ساکنان شمال ارس نیز بوده است.

آقای نوروز خان ! نمی دانم تحت چه شرایط روحی ،روانی از آرزوی خود در خصوص ریاست بر پارلمان آذربایجان جنوبی سخن گفته ای؟ البته که این اظهار نظر هجو آلود شما عدم شناخت تان از تبریز و مردم غیور آن را نه در حد شهری که خود را متعلق به آن می دانید بلکه حتی در حد یک شهر همسایه نیز ثابت می نماید،چه اینکه عجیب است نمی دانید که آذری های ایران فارغ از همه دلبستگیهای تاریخی و معنوی خود به ایران ، از افرادی که چادر از سر دختران جوان دانش آموز و دانشجو بر می دارند و به اعتقادات دینی آنان بی

احترامی می کنند و تا مرز برگزاری رژه غیر اخلاقی در باکو پیش می روند و معترضان را زندانی می نمایند، نفرت دارند و این نفرت خود را نیز بارها اعلام کرده اند.

آقای نماینده حزب حاکم ! حقیقتا بایستی به مظلومیت مردم شیعه جمهوری آذربایجان گریست که افراد کم اطلاع و غیر واقع بینی مثل شما ادعای نمایندگی آنان را می کنند، یقین دارم که مردم آذربایجان شما را به عنوان نماینده خود قبول ندارند، آنان دنبال نمایندگانی هستند که به فکر حل مشکلات اساسی آنها از جمله پایان دادن به اشغال قره باغ و مصایب ناشی از آن باشند نه اینکه رویا پردازی نمایند. بی شک مردم آذربایجان مترصد آمدن یا نیامدن شما به تبریز نیستند، آنها بی صبرانه منتظر آزاد شدن قره باغ و سایر مناطق اشغالی هستند. شما می توانید حداقل طی یک اقدام نمادین روز خاصی را برای آزاد سازی قره باغ تعیین کنید تا در آن روز مشخص مسلمانان کشورهای مختلف به ویژه مردم مسلمان بادکوبه با راهپیمایی به سمت قره باغ عزم و اراده خود برای آزاد سازی تمامی مناطق اشغالی جهان اسلام را به معرض نمایش گذارند.

آقای نوروز خان ! راستی سراغ آقای محمد رفیع و آقای دایی در تشکیلات نخست وزیری زمان جنگ قره باغ رفتی تا در خصوص حقایق قره باغ از آنان سوال کنی ؟ می توانی علاوه بر آنها از آقای عروج اف نیز در منطقه پیر کشکول باکو در خصوص قره باغ بپرسی ، در نامه های بعدی اسامی دیگری نیز اعلام می کنم تا اگر شما نیز به سراغ آنها نرفتید، ساکنان با وجدان بادکوبه آنها را پیدا کنند و از ماجراهای پشت پرده قره باغ از آنها سوال نمایند تا خادم و خائن را از همدیگر تشخیص دهند.

آقای نوروز خان ! به عنوان یک دوست از شما خواسته بودم رایزنی کنید تا امکان پخش تعدادی اسناد و فیلم های مربوط به قره باغ از تلویزیون ملی جمهوری آذربایجان فراهم شود، آیا اقدامی در این خصوص انجام داده ای ، ضمنا آمادگی خود برای حضور در برنامه زنده شبکه فوق و بیان حقایق قره باغ و تشریح راهکارهای آزادی آن را یاد آوری می کنم. نوروز خان ! در خصوص قره باغ رازهای ناگفته فراوانی دارم که به تدریج و متناسب با مقتضیات زمانی از آنها سخن خواهم گفت.

آقای نوروز خان ! در پایان سخنان اخیر خود ، مطالب طنز گونه و بی اساس تان را تکمیل نموده و اظهار داشته

اید که در دوران ریاست خود بر پارلمان آذربایجان جنوبی ؛ مدارس آموزش الفبا و زبان آذربایجانی تاسیس خواهید نمود، آیا منظور شما از برگزاری این کلاسهای خیالی تکرار سیاستهای کمونیستی است که در نتیجه آنها ارتباط علمی و فرهنگی ساکنان ارس با نسلهای گذشته خود قطع گردیده و امروزه حتی مردم مسلمان جمهوری آذربایجان از بهره مندی بدون واسطه از آثار تاریخی، دینی و ادبی مفاخر گذشته خود محروم شده اند و مجبورند برای استفاده از اشعار عمیق نظامی گنجوی و آثار سایرین به ترجمه های ناقص و بعضا تحریف شده آنها قناعت کنند.

استاد سخن، شهریار شیرین سخن چه نیکو سروده است که :

آیبریب شیطان الفباسی سیزی آلاله دان

اؤز الیفبامیزی یازساز، تاپاسیز قرآنی

دونیا بئش گوندی، جهنم ده اولورسا اولسون

گل جهاديله تاپاق جنت جاويدانی

آقای سیاووش نوروزاف ! مردم آذربایجان تاریخی؛ نیازی به آموزش الفبای شیطانی ندارند و یقین بدانید مردم

جمهوری آذربایجان نیز دیر یا زود به الفبای قرآنی باز خواهند گشت.

به امید آزادی قره باغ و پیروزی مردم مسلمان جمهوری آذربایجان

منصور حقیقت پور

نماینده مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران

نامه هفتم ؛ 92/1/17

باسمه تعالی

مردم شریف و غیرتمند جمهوری آذربایجان

با سلام و احترام

گویا نامه نوروزی اینجانب به شما مردم مسلمان ، آقای سیاووش نوروزاف نماینده حزب حاکم در پارلمان ملی جمهوری آذربایجان را سخت آشفته خاطر نموده و او را به انجام مصاحبه ای متناقض و کذب وادار ساخته است . وی که اول بار پس از اعتراض اینجانب به مصوبه پارلمان آذربایجان در خصوص لغو تسهیلات گذر مرزی اعلام وجود نموده و آمادگی خویش برای مناظره را اعلام داشته بود پس از آن که طی چندین نامه ده ها موضوع علمی و حتی زمان و مکان برگزاری مناظره حضوری را مشخص کردم ، بدون بیان هیچ گونه دلیلی از انجام مناظره حضوری طفره رفت و به اتهام زنی و بیان مطالبی بی پایه و اساس روی آورد و از همین روی بنده دریافتم کسی که عنوان نمایندگی یک ملت بزرگ را یدک می کشد ولی آداب اولیه گفتگو را یاد نگرفته است

بی شک نماینده واقعی آن ملت نیست و لذا تصمیم گرفتیم بدون واسطه با شما سخن گویم که البته در لابلای این سخنان بطلان ادعاهای بعضا مضحک این آقای نماینده! نیز مشخص خواهد شد.

در شرایط حاضر برخی مسئولین حاکم بر شما مردم از جمله همین آقای نماینده! دچار بحران برآورد استراتژیک در تشخیص دوست و دشمن شده اند، معلوم نیست با چه منطقی و به چه دلیلی اسرائیل و آمریکا که مدام در حال کمک به ارمنستان و جمهوری خود خوانده قره باغ هستند و حتی در رای گیریهای سازمان ملل متحد نیز معمولاً به تمامیت ارضی آذربایجان رای مثبت نمی دهند به عنوان دوست آذربایجان تلقی می شوند ولی ایران که از زمان استقلال آذربایجان تا کنون از هیچ کمکی به این کشور دریغ ننموده به عنوان دشمن معرفی می شود. البته مقامات عالی کشورتان به این مسائل رسیده اند، به عنوان مثال رئیس جمهور محترم آذربایجان در ملاقات با اینجانب در باکو گفت: «آمریکایی ها ما را تحویل نمی گیرند و همواره از ارمنستان حمایت کرده اند» ولی در عمل می بینیم که اقدامات ضد ایرانی در این کشور هر روز بیشتر می شود و اظهارات و اتهامات بی اساس اخیر سیا ووش نورو زاف نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.

مردم شریف جمهوری آذربایجان

ابتدا لازم می دانم به ادعاهای عجیب و البته مضحکی که آقای نورو زخان در خصوص بنده مطرح نموده اند، اشاره ای داشته باشم، وی ادعا نموده که من از سال 1996 تحت تعقیب پلیس آذربایجان هستم و در باره ام پرونده جنایی باز شده است. خیلی تعجب آور است که بنده طی سالهای اخیر به ویژه دوره استانداری اردبیل چندین بار به جمهوری آذربایجان سفر کرده ام که تاریخ آخرین سفر اینجانب به باکو سیزدهم اردیبهشت ماه 1389 (سوم می 2010 میلادی) می باشد که در این سفر ملاقاتهای رسمی با رئیس جمهور و سایر مقامات دولتی داشته ام. علاوه بر این چندین بار سفیر آذربایجان در ایران با اخذ وقت قبلی به دیدار بنده آمده است . همچنین وی ادعا کرده است که پرونده جنایی بیش از 200 صفحه ای در باره من در اختیار دارند. اما من

خیلی وقت است می گویم که گزارشهای مکتوب و تصاویر چند هزار صفحه ای و فیلمهای ویدئویی بیش از صد ساعت در اختیار دارم که همگی کمکهایی ما به آذربایجان در جنگ قره باغ را تأیید می کنند؛ من آماده ام که هر

دو جلوی رسانه ها قرار گرفته و دلایل و اسناد خود را ارائه نمائیم .

همه می دانیم که مرز بین ایران و آذربایجان در سال 1990 باز شده است و روابط میان مردمان ما مربوط به بعد از آن زمان است. اولین دیدار من با برادران آذری در سال 1991 اتفاق افتاده است. قبل از استقلال آذربایجان و در روزهای سخت و خونین، افراد مبارز و میهن دوست که نمایندگان مردم بودند، مکرر به ایران آمده، در جنگ ظالمانه از ما کمک می خواستند. آنان می گفتند که کمونیستها و ارمنی ها سر تا پا مسلحند ولی ما برای دفاع از مردم غیر نظامی اسلحه معمولی هم نداریم. می گفتند که قبل از آغاز درگیری ها به خاطر اهداف خود حتی سلاحهای شکاری را نیز از میان مردم جمع کردند. بعد از این بود که ارتباطات اولیه جهت ایجاد گروههای مقاومتی برقرار شد که مجموع این اقدامات در کنار سایر تحولات منطقه ای و بین المللی به پایان یافتن سیطره کمونیستها بر مردم مسلمان آذربایجان منجر شد . جالب است آقای نوروز خان؛ تلاش شما مردم آذربایجان برای رهایی از دست کمونیستها را اقدامات خرابکارانه توصیف می کنند ،لابد وی و همفکرانش دوست داشتند همچنان تحت حاکمیت کمونیستها باشند. البته من در آینده در این خصوص بیشتر با شما صحبت خواهم نمود.

اهالی غیرتمند باکو ،گنجه ،شیروان ،لنکران ،آستارا و ...

شما وارثان مردان بزرگ و غیرتمندی هستید که باید به آنها افتخار کنید،یکی از این مردان نیک نام «شهید روشن جواد اف» فرمانده دلاور گروه آمون می باشد که آقای نورزخان در سخنان اخیر خود به زعم خویش ارتباط بنده با گروه فوق را افشاء نموده است. کاش ذره ای از غیرت و مردانگی گروه آمون و فرمانده شهیدش در وجود نوروزخان و سایرین وجود داشت. اگر بخواهیم از جمله گروه های آذری که توانست مردانه در مقابل متجاوزان ارمنی بایستد را به تاریخ معرفی کنیم، همین گروه آمون بود و عاقبت نیز فرمانده آن به دست کسانی که آزادی قره باغ را منطبق با منافع شخصی خود نمی دیدند به شهادت رسید، من اگر لازم شد بعداً در این خصوص بیشتر با شما مردم سخن خواهم گفت . فقط همین را بگویم که حتی به «لاچین» فرزند این شهید نیز رحم نشد و او نیز به طرز عجیبی کشته شد. همین نکته که شهید روشن جواد اف نام یکی از شهرهای

آذربایجان را برای فرزندش انتخاب انتخاب نموده بود ، عمق علاقه اش به آذربایجان را نشان می دهد. بهتر است آقای نوروزخان از آقای دایی- که قبلاً معرفی کرده ام -در خصوص اظهارات شهید روشن جواداف پرس و جو نماید. اینکه وی کراراً می گفت در سطوح مختلف در خصوص قره باغ توسط مسئولین خیانت آشکار صورت می گیرد و در نهایت تصمیم گرفت که نیروهای مجاهد افغانی را در مناطق جنوبی قره باغ مستقر کند تا مانع از پیش روی نیروهای ارامنه به سایر نقاط قره باغ بشود .

مردم رنج دیده آذربایجان خوب است بدانید شهید روشن جواداف تصمیم گرفت مذاکراتی را با مجاهدین افغانستان داشته باشد، نهایتاً با تلاشهای وی بیش از دو هزار نفر نیروی رزمنده افغانی به منطقه قره باغ منتقل شد که به نیابت از مردم و مسئولین آذربایجان از قره باغ دفاع کند.نوروز خان باید پاسخ دهد آن موقع کجا بود که افغان ها به نیابت از او از قره باغ دفاع می کردند؛ این غیرت روشن جواد اف بود که در مقابل خیانت خیانتکاران محکم ایستاد و مانع از اشغال سایر سرزمین ها شد ولی افسوس جفایی بس بزرگ در حق او و دوستانش روا داشته شد که بی شک گذشت زمان بسیاری مسائل را برای شما روشن خواهد نمود.

مردان و زنان هم مذهب و هم زبان من

جمهوری آذربایجان که امروز در نتیجه سالها استیلاء کمونیستها و پس از آن بواسطه حاکمیت ارزشهای غربی از ماهیت اصیل اسلامی خویش فاصله گرفته است در حافظه تاریخی خود، نام عالمان بزرگی همچون شهید آیت الله شیخ عبدالغنی بادکوبه ای، شهید سیدمحمد و شیخ حنیفه بادکوبه ای، شهید شیخ عبدالغفار اردوبادی، میرزا عبدالغفار اردوبادی، سید محمد آقا و میر اشرف سالیانی را دارد که در اوج خفقان کمونیستی به جرم دفاع از اعتقادات دینی و ترویج احکام شیعی دستگیر و پس از تحمل حبس های توأم با شدید ترین شکنجه های روحی و جسمی به شهادت رسیده اند ، عجیب اینست در چنین کشوری برخی افراد ما را در تشکیل حزب اسلام متهم می کنند، سوال اینست مگر دینداران آذری به عنوان وارثان چنین عالمان شهیدی خودشان ضرورت تشکیل حزبی اسلامی را در کشوری که 95 درصد آن را مسلمانان تشکیل می دهند درک نمی کردند؟ نوروزخان و همفکرانش ما را به حمایت از انسان های دینداری که تعصب و غیرت دینی خود را حتی در دوران سیاه

کمونیستی حفظ کردند متهم می کنند؛ کسانی که نظیر نورزوخان نبودند تا دین و فرهنگ خود را مورد معامله قرار داده و تاریخ خود را تحریف نمایند تا بتوانند خود را با شرایط روز تطبیق دهند، البته مردان مسلمان آذربایجان از جمله مسئولین حزب اسلامی همواره ارتباط خود را با مرکز تشیع، علما و مراجع دینی حفظ کرده اند تا در هر مقطع تاریخی بتوانند وظیفه شرعی و دینی خود را عمل کنند.

خوب است همگان بدانند اولاً پیشرفت اسلام و مسلمانان در جهان اسلام آرزوی قلبی ما و وظیفه ای است که بر عهده گرفته ایم. اگر به یک مردم مظلومی که از رژیم کمونیستی آزاد شده و همه امکانات دینی اش نابود گشته، توانسته ایم در راه احیای باورهای اسلامی و استقلال کشورش کمک کنیم به این کار افتخار می کنیم، اما هنگام انجام یک کار اساسی جرأت آن را هم داریم که به طور آشکار اعلام کنیم که رفتار ما در خصوص حزب الله لبنان و حماس مبین این موضوع است؛ اینکه قره باغ تا به حال تحت اشغال باقی مانده و قلب ما را به درد می آورد، علتش تدابیر پیشگیرانه قدرتهایی است که از تجربه لبنان و فلسطین ترسیدند و مجال بهره مندی بیشتر میهن دوستان آذری از امکانات و تجربه های ایران را به آنان ندادند و کسانی که برای آزادی قره باغ و احیاء ارزشهای اسلامی به پا خاستند با اتهامات ساختگی بازداشت شدند. اکنون نه کسانی که کاری در این راستا انجام بدهند، بلکه کسانی که در این باره فکر کنند نیز متهم به ترور و خیانت می شوند، در حالی که دینداران هر کشوری مخصوصاً جمهوری آذربایجان بر اساس آموزه های دینی خود که علاقه به وطن را جزء ایمان می شمارد، متعهدترین افراد به استقلال و تمامیت ارضی آذربایجان هستند.

شما مردم آذربایجان نیز حتماً با من هم عقیده اید که اگر مسئولیت آزادسازی قره باغ را در مجلس ملی کشورتان به حزب اسلامی آذربایجان محول کنند و امکانات لازم را به آنها بدهند، این حزب با بکارگیری جوانان مسلمان باد کوبه، گنجه، شاماخی و ... و بسیج همه جانبه آنها و البته با کمک ارتش دلاور کشورتان که متأسفانه امروزه درگیر مشکلات داخلی همچون مرگ و میر و خودکشی سربازان شده؛ قطعاً بهتر از حاکمیت از عهده آزاد سازی قره باغ برخواهد آمد.

آواره گان مظلوم قره باغ و تمام مردم آذربایجان

بهبتر است بدانید بنده در جنگ قره باغ مشاور خاص مرحوم حیدر علی اف بوده ام ، متهم نمودن بنده در حقیقت ایراد اتهام مستقیم به رئیس جمهور فقید این کشور می باشد، به یاد دارم یک روز که نیروهای آذری در مقابل حیدر علی اف رژه رفتند ،وی به من گفت که می خواهم نشان لیاقت آذربایجان را به شما اهداء نمایم که من به دلیل مسائل سیاسی قبول نکردم؛ حال فردی که عنوان نمایندگی شما در پارلمان ملی را یدک می کشد به من اتهام خیانت می زند. واقعا مضحک است.

حتما می دانید جمهوری اسلامی ایران در سطح مجامع بین المللی، استقلال جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخته و تمامیت ارضی، حیثیت ملی و استقلال آن را از مسایل مهم و جدی تلقی می کند. مقام معظم رهبری قره باغ را سرزمین اسلامی معرفی نموده اند و هرگونه کمک به اشغالگران سرزمینهای اسلامی را حرام و ممنوع کرده اند، حال ما چگونه می توانستیم ارمنی ها را آموزش دهیم .

آقای نوروزخان باید بدانند بنده اطلاعات کافی در باره اجداد خودم که همگی اردبیلی بودند، دارم. من یک ایرانی آذربایجانی ترک زبانم و هیچ رابطه خویشاوندی با ارمنی ها ندارم و هیچگاه نمی توانم به ارامنه اشغالگر کمک نموده و به آذری های هم دین و هم مذهب و هم زبان و هم تبار خودم خیانت کنم ؛ اگر خائنین را در میان کسانی که دایی هایشان ارمنی است و امروزه پستهای مهم دولتی را در اختیار دارند، بگردند، کسان مهمی را می بینید.

همین جا خطاب به شما مردم آذربایجان اعلام می کنم که آقای نوروز خان که تا کنون در طول مناظرات مکتوب از پاسخگویی به سوالات اینجانب در خصوص عملکرد خودش و پارلمان آذربایجان در قبال قره باغ طفره رفته است ،حقایق را کاملا وارونه روایت کرده و ما را به حمایت از ارمنی های اشغالگر متهم می کند، اگر وی یا هر کس دیگری اثبات کند که ما تنها از یک ارمنی حمایت نظامی کرده ایم، آماده ام تمامی ادعاهای آنها را قبول کنم، ولی خوب است وی بداند که بنده اسناد ،مدارک و فیلم های ویدیویی زیادی در خصوص کمکهای همه جانبه ایران اسلامی به آذربایجان دارم که اگر این کمکها نبود الان نه بیست درصد بلکه بیش از پنجاه درصد خاک آذربایجان در اشغال بود.ان شاء الله به موقع خود آن اسناد را منتشر خواهم نمود.

مردم مسلمان جمهوری آذربایجان

نمی دانم در جریان مکاتبات قبلی بنده با نوروزخان هستید یا نه؛ در مکاتبات قبلی اسامی برخی هموطنان شما را اعلام کرده ام تا شاید وی با کسب برخی مطالب از آنها، حقایقی در خصوص قره باغ به دست آورد، ولی وی بدون مراجعه به آنها اظهار داشته است که اسامی مرتبطین اینجانب را افشاء خواهد نمود. خوب است همه بدانند بنده به عنوان مشاور خاص رئیس جمهور فقید آذربایجان از مرحوم حیدر علی اف گرفته تا افراد دیگر در خصوص قره باغ صحبت کرده و توصیه هایی به حیدر علی اف، وزیر دفاع و رئیس مجلس وقت آذربایجان ارائه نموده ام که در آرشیو دولتی آذربایجان موجود است ولی نوروزخان بدون در نظر گرفتن این مسائل اعلام نموده که در تفتیش منازل دینداران کتابی با عنوان توصیه های استاد منصور پیدا شده است؛ باید عرض کنم، همگان با نوع اتهام زنی سیستم امنیتی آذربایجان آشنا هستند، سیستمی که سلاح یا مواد مخدر در خانه افراد جاسازی می کند و بعد آنها را کشف می نماید! حتما می تواند به دلخواه خود هر کتاب یا حتی کتابهایی را تهیه نموده و در منزل هرکسی جاسازی کرده و بعدا به عنوان سند مورد استفاده قرار دهد. کسی یا سیستمی که خدا ترس نباشد می تواند هرکاری انجام دهد و هر اتهامی وارد کند.

برادران و خواهران آذری من

در پایان باید عرض کنم که مجرم باید دیر یا زود مجازات شود. چون این یک وعده الهی است. کسانی که قره باغ را فروختند تا به امروز مجازات نشده اند. چون امروز در مناصب رسمی هستند. می گویند روابط من با رحیم قاضی اف، روشن جواداف، حیدر علی اف و دیگران را فاش می کنند. اگر من در آن زمان می خواستم به تشکیل ارتش و آزادی قره باغ کمک کنم، می بایست با چه کسی رابطه داشته باشم. یکی از افراد نامبرده وزیر دفاع و یکی دیگر رهبر نهضت مقاومت مردمی و دیگری رئیس جمهور بود. مشاهدات خودم است که وقتی روشن جواداف با نیروهای ویژه اش آماده حمله به سوی ارمنی ها می شد، ارمنی ها با اطلاع از شرکت جواداف در این عملیات آنجا را خالی کرده و پا به فرار می گذاشتند. خوشحالم که یک زمانی با یک چنین افرادی ارتباط داشته ام. آنان شاید برای افرادی مانند نوروزخان دشمن باشند، ولی حتما برای شما مردم آذربایجان قهرمانان ملی

هستند.

از شما مردم جمهوری آذربایجان در خواست می کنم که سعی کنید متن کامل مناظرات مکتوب بنده با آقای سیاووش نوروزاف را به صورت کامل و دقیق مطالعه نمائید تا خود حقیقت را در یابید و شایسته است رسانه های آذری نیز در انعکاس مطالب اینجانب عدالت و نیز اصول حرفه ای را رعایت نموده و نامه های اینجانب به مردم شریف آذربایجان را به صورت کامل منعکس نمایند.

برای مردم آذربایجان پیروزی و توفیق الهی در آزاد سازی قره باغ آرزو می نمایم.

نماینده مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران

منصور حقیقت پور